

بانکداری اسلامی در انطباق با شرایط همگرایی جهانی

سرکار خانم مهناز بهرامی

کارشناس اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

افزایش روزافزون تعداد بانکها و موسسات مالی اسلامی در سرتاسر جهان، مقوله جهانی شدن بانکداری اسلامی را نوید می‌دهد. صاحب‌نظران و محققین بانکداری و مالیه اسلامی در تلاشند تا به این امر مهم جامعه عمل پوشانده و نظام بانکداری اسلامی را در سرتاسر جهان بگسترانند. برای دستیابی به این هدف، کشورهای اسلامی باید در گام اول به کاهش فاصله میان خود اقدام کنند، به طوری که در این مسیر کلیه تضادهای موجود در دیدگاههای مربوط به بانکداری و مالیه اسلامی میان آنها به حداقل برسد. با گذر از این مرحله، جهانی شدن بانکداری اسلامی با سهولت بیشتتری می‌تواند انجام پذیرد و اهداف مورد نظر در این زمینه تحقیق یابد. در مقاله حاضر ابتدا نظام بانکداری اسلامی در جهان امروز از دیدگاه اعطاء تسهیلات، (وسعت) اندازه بانکها و روشهای تامین منابع مالی بررسی می‌گردد. پس از آن، انطباق معیارهای بانکداری و مالیه اسلامی با استانداردهای ارائه شده از سوی BIS, IMF, سازمان بین‌المللی اوراق بهادار و اتحادیه جهانی بازرسین بیمه بخش دیگری از گزارش را به خود اختصاص خواهد داد.

۱- تاریخچه تاسیس بانکهای اسلامی در جهان:

تأسیس بانکهای اسلامی با توسعه نظام بانکداری^۱ PLS همراه است. اولین تجربه، ایجاد صندوق تعاونی برای اعطای وامهای بدون بهره به بخش کشاورزی در کشور پاکستان بوده است که به دهه ۱۹۵۰ میلادی بازمی‌گردد. تأسیس اولین بانک سپرده اسلامی نیز در سال ۱۹۶۳ در کشور مصر صورت گرفته است. استفاده از تسهیلات این بانک، کشاورزان و صنعتگران را از

دریافت وام رباخواران بی نیاز می کرد. پایه و اساس این بانک بر اساس نظام PLS استوار گردید. نام این بانک Mit Ghamr بود و به دلیل کمبود پرسنل توانایی افزایش شعب را نداشت. بانک مذکور در سال ۱۹۶۷ ملی گردید و عملیات آن از نظام PLS به نظام ربوی تبدیل شد. بانک مذکور پس از این تغییر، مشتریان وفادار خود را از دست داد و پایه سپرده‌ای آن نیز کاهش پیدا کرد. در سال ۱۹۷۱ عملیات این بانک مجدداً بر اساس معیارهای اسلامی استوار گردید و نام آن به بانک Nasser Social Bank تغییر پیدا کرد (Wilson 1983). به دنبال این تغییرات، جود عواملی از قبیل افزایش ملی‌گرایی عربی، تبعیت از اصول اسلامی و افزایش بهای نفت سبب گردیدند تا ۵۰ بانک PLS در ۲۰ کشور اسلامی تأسیس شوند.

در کشور پاکستان نیز گرایش بانکهای ملی شده به سمت نظام PLS از سال ۱۹۷۹ آغاز گردید. در مرحله انتقال به نظام مالی اسلامی، ابتدائیه‌هایی در داخل بانکهای ایالتی افتتاح شدند که عملیات بانکی بدون ربا انجام می دادند. این گیشه‌ها تا سال ۱۹۸۵ فعالیت داشتند. از این سال به بعد با تعطیل گیشه‌های مذکور فقط ۵ بانک ملی شده، مؤسسات مالی دولتی و بانکهای تجاری با سرمایه خارجی، مجاز به پذیرفتن سپرده و انجام سرمایه‌گذاری با پولهای رایج کشور به شیوه غیرربوی بودند.

تبدیل سپرده‌ها به پایه PLS به سادگی صورت پذیرفت، به طوری که در حدود ۲۷/۶ درصد کل سپرده‌ها به دلیل موافقت سپرده‌گذاران از نظام ربوی خارج گردید. سپرده‌گذاران مذکور علاوه بر داشتن انگیزه‌های اسلامی از بازده مناسب سپرده‌ها و ضمانت نیز مطمئن بودند. (Khan and Mirakhor, 1990) پس از آن در کشورهای اردن، عربستان، سودان، کویت، مالزی و... بانکهای اسلامی دایر گردیدند. ساختار این بانکها بسیار ساده بوده و در سطح یک بانک کوچک پس انداز فعالیت می کردند. به دنبال آغاز و ادامه فعالیت بانکهای اسلامی، بانک توسعه اسلامی با هدف تشویق توسعه اقتصادی و پیشرفت‌های اجتماعی در میان ملل مسلمان جوامع اسلامی در سال ۱۹۷۵ تأسیس گردید.

امروزه در اکثر کشورهای اسلامی، نظام دوگانه بانکداری (ربوی و غیرربوی) فعالیت دارد، لیکن در میان این کشورها ایران، سودان و پاکستان نظام بانکی خویش را به صورت یکپارچه اسلامی کرده و به عبارتی اقدام به حذف کامل ربا از معاملات بانکی نموده‌اند. در کشور سودان سیستم یک پارچه بانکداری اسلامی از سال ۱۹۹۲ شروع به فعالیت نمود. امروزه سودان در زمینه گسترش بازار ثانویه و معاملات اوراق بهادار بانک مرکزی بسیار موفق می باشد. در میان کشورهایی که دارای نظام دوگانه بانکداری می باشند، دولت مالزی حمایت‌های خویش از نظام بانکداری اسلامی را افزایش داده است. در این کشور نظام بانکداری بدون ربا از

سال ۱۹۹۳ معرفی گردید. فعالیت این نظام ابتدا در داخل نظام بانکداری متعارف (به صورت گیشه‌های اسلامی) آغاز شد و سپس با تأسیس بانک اسلامی Berhad رشد و شکوفایی بیشتری پیدا کرد. در کشور اندونزی نیز نظام دوگانه بانکداری حاکم می‌باشد. لیکن مقامات پولی و بانکی این کشور در تلاشند نظام یک پارچه بانکداری بدون ربا را جایگزین نظام فعلی نمایند.

۲- بررسی نظام بانکی PLS در جهان امروز:

الف - اعطای تسهیلات

ورشکستگی و ریسک مربوط به آن در بانکداری متعارف (در زمان رکود و کساد)، نه تنها به ایجاد اختلال در مکانیزم پرداختها، بلکه به کاهش ارزش واقعی سپرده‌ها نیز می‌انجامد (مراجعه شود به،

Bernanke 1983; Guttentag and Herring 1987, P.158).

همچنین وقتی که بانکی ورشکست می‌شود، وام‌گیرندگان در جستجوی منابع جدید بانکی برمی‌آیند. البته وام‌گیرندگان معتبر به آسانی نمی‌توانند اعتبار خویش را به بانکهای جدید منتقل نمایند، در نتیجه ممکن است با هزینه‌های بالا مواجه شوند یا اصلاً از بازار خارج گردند (Sharpe 1990, PP.1084-5)، لذا به دلیل وجود^۱ «اثرات انتشار» و تأثیر آن روی عرصه پول، ورشکستگی بانکی می‌تواند اثری مخرب روی بخش واقعی اقتصاد برجای گذارد.

ریسک ورشکستگی، بانکها را تشویق می‌کند تا در طول دوره رکود، به وسیله افزایش سود و نسبتهای ذخیره، روشهایی محافظه کارانه را در پیش گیرند و به سمت افزایش داراییهای مطمئن و نقدگرایش یابند (Friedman, 1991).

در نظام بانکداری اسلامی، چون عملیات بانکی بر اساس اصول PLS استوار است، بانکهای مربوطه قادر به ایفای تعهدات خویش هستند و حتی اگر ارزش پرتفوی سرمایه گذاری آنها با خطر اضمحلال روبرو شود، اثری روی سپرده‌های معاملاتی آنها برجای نخواهد گذاشت.

در نتیجه بانکهای اسلامی در دوران رکود با ریسک کمتری مواجه می‌گردند و به عبارتی در این نظام، اضمحلال واسطه‌گری مالی، اثر کمتری روی ابعاد کلان اقتصادی برجای خواهد گذاشت.

مهمترین فایده سیستم PLS، توانایی آن در تخصیص بهینه ریسک است که از طریق مشارکت در بازده طرح میان بانک و مشتری صورت می‌پذیرد. در نظام متعارف، بانکها مایل به

نگهداری دارائیهای با بازده متغیر نیستند زیرا بدهیهای آنها دارای بازده ثابت بوده (مانند سپردههای حامل بهره) و این امر آنها را با «ریسک عدم ایفای تعهدات»^۱ روبرو می‌کند. بانکهای PLS مشکل فوق را به وسیله ایجاد «بدهیهای با بازده متغیر»^۲ مانند (حسابهای سرمایه گذاری) برطرف نموده و به این ترتیب خود را از سرایه گذاری در دارائیهای با ریسک بالا رهایی نمایند. از اینرو بانکهای PLS در مقایسه با بانکهای متعارف قادر به اعطای وامهای بلندمدت تر به طرحهای با ریسک بازده بالاتر هستند و وام گیرندگان بانک PLS نیز تمایل بیشتری به پذیرش این طرحها دارند زیرا قراردادهای PLS ریسکهای آنها را نیز کاهش می‌دهد.

این تجربه برای اولین بار در بانکهای PLS کشور مصر مشاهده شده است (EI-Ashker, 1987).

علیرغم فوایدی که فوقاً ذکر گردید، بانکهای PLS با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند که از «عدم تقارن اطلاعات»^۳ و نظارت با هزینه بالا ناشی می‌شوند. اگر این بانکها با مشکل ناشی از «محدودیت اطلاعات آتی»^۴ در مورد کیفیت طرحها روبرو گردند، در این حالت وام گیرندگان از احتمال موفقیت طرحهایشان مطلع هستند، لیکن بانک اعطاءکننده تسهیلات اطلاعاتی در این زمینه ندارد، زیرا هر فرد متقاضی دریافت تسهیلات از بانک PLS، ادعا می‌کند که طرح وی دارای بالاترین کیفیت است. عدم دسترسی به اطلاعات سبب می‌گردد تا بانک مربوطه در انتخاب طرحها دچار مشکل شده و طرحهای غیربهره‌بر را برای پرداخت تسهیلات انتخاب نماید. این پدیده «انتخاب غلط»^۵ نامیده می‌شود.

وام گیرندگانی از تسهیلات PLS استفاده می‌کنند که اطمینان دارند طرحهای پیشنهادی آنان به گونه‌ای است که اگرچه منافع پولی بالا به ارمغان نمی‌آورد، لیکن با سود تحقق یافته پایینی همراه می‌گردد؛ لذا آنها تمایل به استفاده از این تسهیلات می‌شوند. (Pryor, 1985) در مقابل بانک PLS نیز، جذب متقاضیانی می‌شود که به اطلاعات داخل بانک دسترسی داشته و طرحهای آنها با ریسک بالایی روبروست. این وام گیرندگان سود مورد انتظار خویش را در حد بالایی به بانک اعلام می‌کنند و در مقابل انتظار دارند که نسبت سهم سود پایین‌تری برای بانک به آنها ابلاغ گردد (Nienhaus, 1983). در نتیجه بانک مزبور متعهد پرداخت تسهیلات به طرحهایی می‌گردد که با ارزیابی هزینه بالا همراه می‌باشند.

از موارد فوق‌الذکر اینگونه نتیجه‌گیری می‌شود که اگر اطلاعات نامتقارن مربوط به

1. Insolvency risk

2. Variable - Return Liabilities

Asymmetric information

۳- در این حالت دسترسی عادلانه به اطلاعات برای همه امکان پذیر نیست.

4. EX-ante information limitation

5. Adverse selection

محدودیت‌های آینده باشد، برای بانک PLS مشکل «انتخاب غلط» را پدید می‌آورد، و اگر اطلاعات نامتقارن مربوط به گذشته^۱ باشد میان بانک PLS و وام‌گیرندگان مشکل «مخاطرات اخلاقی»^۲ به وجود می‌آید.

اعلام میزان سود از سوی بانک، این انگیزه را در وام‌گیرنده به وجود می‌آورد که سود حاصله را به میزانی کمتر از رقم تحقق یافته اعلام نماید. این نوعی کلاهبرداری است و اکثراً در نظام‌هایی ایجاد می‌شود که قوانین و کنترل‌های مستحکم مالیاتی و حسابرسی نداشته باشند. وام‌گیرندگان می‌توانند با انجام روش‌های حساب‌سازی میزان کمتری از سود را اعلام نمایند. لذا بانک PLS مجبور به پرداخت هزینه‌های بالا برای کنترل و نظارت برای اطمینان از صحت میزان سود مشتری می‌گردد. از اینرو عدم تقارن اطلاعات برای هر دو زمان گذشته و آینده هزینه بالایی برای بانک PLS به ارمغان می‌آورد، مواجه شدن بانک PLS با مشکلات «انتخاب غلط» و «مخاطرات اخلاقی» سبب می‌شود تا بانک مذکور توانایی رقابت با بانک‌های متعارف را نداشته باشد. البته بررسی‌ها نشان می‌دهد، فواید بانکداری PLS بیشتر از هزینه‌های نظارت و کنترلی است که به آن تحمیل می‌گردد. ضمناً چنانچه نظام بانکی PLS مجهز به شیوه‌های استاندارد حسابداری، کنترل موردی حساب‌های وام‌گیرندگان، حضور نماینده بانک در جلسات هیئت مدیره شرکت وام‌گیرنده و بررسی معاملات وام‌گیرندگان باشد، نه تنها هزینه نظارت و کنترل کاهش می‌یابد، بلکه بانک می‌تواند راهنمایی‌های تخصصی نیز به وام‌گیرندگان ارائه دهد.

برخی از طرفداران بانکداری اسلامی عقیده دارند که اعتقاد به الله و اصول شریعت اسلام، تمایل به انجام «مخاطرات اخلاقی» را کاهش می‌دهد (Siddiqi, 1983). در حقیقت اصول اعتقادی اسلام، پایه و اساس PLS را تشکیل داده و از مشکلات موجود نیز می‌کاهد.

ب - وسعت (سایز) بانک‌های اسلامی

بررسی‌های صورت گرفته در مورد تأسیس و ادامه فعالیت بانک‌های اسلامی نمایانگر آن است که امروزه رشد سپرده‌ها در بانک‌های مذکور در حد بالایی می‌باشد. این امر نشان دهنده اعتماد ملل مسلمان به این گروه از مؤسسات مالی است. لیکن سال اصلی این است که بانک‌های مذکور چگونه قادر خواهند بود سپرده‌های مال غیرمسلمان را نیز جذب کرده و با بانک‌های ربوی به رقابت برخیزند. این امر مستلزم آن است که این بانک‌ها بتوانند در زمینه بازده سپرده‌های سرمایه‌گذاری با آنها رقابت نمایند. دستیابی به این هدف امکان‌پذیر است لیکن زمانی می‌تواند

تحقق یابد که سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت بوده و بازده سریعی نیز به دنبال داشته باشد. به عبارت دیگر این بانکها نمی‌توانند سپرده‌های بانکهای ربوی را در طرحهای تولیدی بلندمدت سرمایه‌گذاری نمایند. در این مرحله بانکهای اسلامی باید در صدد جذب سپرده‌های بلندمدت ملل غیرمسلمان نیز باشند. زیرا علیرغم رشد بالای سپرده‌ها در بانکهای اسلامی، میزان این سپرده‌ها پاسخگوی متقاضیان تسهیلات PLS نیز نمی‌باشد. زیرا بخش عمده‌ای از این سپرده‌ها به دلیل مقررات قانونی از قبیل ذخیره‌گیری و نسبتهای سپرده قانونی از مسیر سرمایه‌گذاری خارج می‌شوند. از سوی دیگر به دلیل توسعه نیافتگی بازار سرمایه در کشورهای اسلامی، بانکهای PLS مجبورند نقد در صندوق بیشتری در مقایسه با همتایان ربوی خویش نگهداری نمایند. عدم وجود بازار بین بانکی فعال در این کشورها مشکل مورد بحث را تشدید می‌کند. از اینرو بانکهای اسلامی یا با کاهش رشد سپرده‌های سرمایه‌گذاری مواجه می‌شوند یا در جستجوی بازارهای غیرتولیدی برای کسب نقدینگی برمی‌آیند.

(Khouiri, 1987; Karim and Ali, 1988) لذا منابع بانکهای PLS اکثراً به سوی طرحهای بلندمدت تولیدی یا کشاورزی جریان نمی‌یابند، بلکه طرحهای کوتاه‌مدت و مطمئن تجاری و قراردادهای اجاره را که مطابق با شریعت اسلام نیز باشند انتخاب می‌کنند. نتیجه کار به برتری طرحهای تجاری در پرتفوی بانکهای اسلامی می‌انجامد. این برتری باعث می‌شود تا وجوه بانکهای اسلامی به جای تسریع توسعه اقتصادی کشور، صرف اعطای تسهیلات به خرید کالاهای و وسایل بادوام گردد. این بزرگترین انتقادی است که در مورد بانکهای PLS مطرح می‌گردد. بانکهای اسلامی برای جذب نقدینگی جامعه باید به دو گروه به رقابت برخیزند: اوراق بهادار دولت و بانکهای ربوی، در نتیجه مجبورند نرخ بازده خویش را در حد نرخهای ارائه شده توسط دو گروه فوق‌الذکر حفظ نمایند تا بتوانند مانع از فرار سپرده‌ها گردند. بنابراین همانطور که ذکر شد بانکهای اسلامی به سوی اهداف کوتاه‌مدت روی می‌آورند که این امر به زیان تأمین منابع مالی برای طرحهای بلندمدت می‌باشد. گذشته از مواردی که شرح آن گذشت، بانکهای ربوی در مقایسه با بانکهای غیرربوی از امکانات بیشتری بهره‌مند می‌شوند:

اول: سیستم مالیاتی در بسیاری از کشورها میان نظام مالی ربوی و غیرربوی تبعیض قائل می‌شود به این ترتیب که برای استفاده از ابزار نرخ بهره نوعی معافیت مالیاتی در نظر گرفته می‌شود که این امر شامل حال مکانیزم تقسیم سود در نظام PLS نمی‌شود (O. Ahmed, 1990)

دوم: بانکهای متعارف تحت حمایت و تضمین طرحهای بیمه سپرده‌ها، از سوی دولت قرار می‌گیرند، این تضمین شامل حال بانکهای اسلامی نمی‌گردد.

سوم: بانکهای اسلامی دسترسی چندانی به منابع بانک مرکزی به عنوان آخرین وام‌دهنده

ندارند، زیرا هنوز بسیاری از بانکهای مرکزی دارای دیدگاهی محتاطانه نسبت به بانکهای PLS می باشند.

بزرگی ابعاد و به عبارتی اندازه یک بانک، نقش مهمی را در تعیین کارایی بانک ایفا می کند. امروزه تغییرات تکنولوژی و پدیده جهانی شدن تمایل بانکها به ادغام شدن با یکدیگر را افزایش داده است، فقط در دو سال گذشته، بیشتر از ۲۰ بانک و مؤسسه مالی بسیار بزرگ با یکدیگر ادغام گردیدند.

در مقابل آمارها نشان می دهند بانکها و مؤسسات مالی اسلامی بسیار پایین تر از اندازه بهینه^۱ قرار دارند؛ از اینرو توانایی دستیابی به کارایی بهینه را ندارند، بجز معیار کارایی، داشتن پایه سرمایه ای بزرگ یکی از عوامل مهمی است که رتبه اعتباری بانک را تحت تأثیر قرار می دهند. این نکته رضایت سهامداران بانک را هم به دنبال دارد. بررسیها حاکی از آن است که بیش از ۶۰ درصد بانکهای اسلامی پایین تر از حداقل ابعادی هستند که در مباحث تئوریک ارائه گردیده است، در ضمن دارائیهای بزرگترین بانک اسلامی فقط معادل ۱/۳ درصد دارائیهای بزرگترین بانک جهان است.

از موارد فوق نتیجه گیری می شود بانکهای اسلامی باید با یکدیگر متحد شده و گامهایی اساسی به سوی ادغام با یکدیگر بردارند.

ج - روشهای تامین منابع مالی:

همانطور که قبلاً نیز ذکر شد در اکثر کشورهای اسلامی، سیستم بانکداری دوگانه (ربوی و غیرربوی) حاکم است، بانکهای غیرربوی، به دلیل حذف بهره از فعالیتهای مالی خویش به منابع مالی بازارها و بانکهای بزرگ جهان دسترسی ندارند و فقط قادرند به منابع سپرده ای یا وجوه بین بانکی بدون بهره (که میان برخی از بانکهای اسلامی رایج است) متکی باشند.

در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، سیستم دوگانه بانکداری حاکم بوده و بانکهای ربوی این کشورها در کنار استفاده از روشهای متعارف تامین منابع مالی، از روش استقراض (سندیکایی) نیز استفاده می کنند. در این روش گروهی از بانکهای تجاری بانکهای سرمایه گذاری هر کدام بخشی از تأمین مالی برای طرح یا پروژه را به عهده می گیرند. در جدول شماره ۱، روش مذکور ملاحظه می گردد.

جدول شماره (۱)
استقرار سندیکی توسط کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۰

(میلیون دلار)

وام گیرنده	نسبت وام اعطایی به سپرده‌های بانک (درصد)	مبلغ استقرار	پهای استقرار	مدت	گروه وام‌دهنده
۱- شرکت بانکداری عرب	۱۲۴/۵	۴۰۰	۴۵bp*	۵ ساله	بانک اف توکیو میتسوبیشی بانک ملی کویت
۲- بانک بین‌المللی خلیج	۸۳/۹	۴۰۰	۴۰bp	۵ ساله	کمز بانک - سیتی بانک
۳- بانک بین‌المللی امارات	۸۵/۳	۲۵۰	۳۷/۵bp	۳ ساله	بانک عرب - سیتی بانک - کمز بانک
۴- بانک تجارت کویت	۹۲/۳	۲۰۰	۴۲/۵bp	۲ ساله	کردیت لیونیه - کمز بانک - سیتی بانک
۵- بانک بحرین و کویت	۷۹/۶	۱۲۵	۵۵bp	۳ الی ۵ سال	بانک ملی کویت، بانک برلین
۶- شرکت سرمایه‌گذاری نفت عرب	N/a	۲۰۰	۴۰bp	۵ ساله	بانک ملی کویت - بانک اف توکیو میتسوبیشی
۷- بانک بین‌المللی عمان	۱۰۹/۹	۱۲۵	۵۲/۵bp	۳ الی ۵ سال	کردیت لیونیه - شرکت بانکداری عرب
۸- بانک تجارت قطر	۷۶/۱	۱۲۰	۶۰bp	۲ ساله	سیتی بانک - بانک بین‌المللی خلیج
۹- مشرق بانک	۷۹/۳	۱۰۰	۴۵bp	۲ ساله	کارنگو بانک
۱۰- بانک ملی شارجه	۱۲۶/۷	۲۰	۱۰۰bp	۴ ساله	شرکت بانکداری عرب - کمز بانک بانک بین‌المللی امارات
جمع کل	۱۹۴۰				

۳- انطباق معیارهای بانکداری اسلامی با استانداردهای جهانی:

در حال حاضر، علیرغم رشد روزافزون مؤسسات مالی اسلامی، استانداردهای متحدالشکل در زمینه فعالیتهای این مؤسسات وجود نداشته و هر کشور از مقررات رایج خویش استفاده می‌نماید، این امر ضعف شفافیت و اختلال رقابت میان فعالیتهای بانکهای اسلامی را به دنبال خواهد داشت. برای رفع این مشکل چارچوب سازمانی تحت عنوان «سازمان خدمات مالی اسلامی» یا IF SC از سوی کشورهای اسلامی پایه‌ریزی گردیده است که وظیفه اصلی آن ارائه خدمات کارشناسی در زمینه‌های بانکداری و مالیه اسلامی به کشورهای عضو می‌باشد، استانداردهای مورد بحث به شرح ذیل می‌باشند:

الف - اصول محوری نظارت بانکی مؤثر:

مسئله نظارت بر بانکهای یکی از وظایف مهم مقامهای پولی هر کشور محسوب می‌شود. گذشته از شعب داخل، نظارت بر عملکرد شعب خارج نیز امری ضروری است و بی‌توجهی به آن می‌تواند در نهایت آثار منفی بر نظام بانکی ملی و بین‌المللی داشته باشد. در اولین موافقتنامه‌ای که در زمینه مورد بحث در سال ۱۹۷۵ از سوی کمیته مقررات بانکداری و نظارت بر علمیات بانکی بانک تسویه بین‌المللی^۱ (واقع در شهر بال سوئیس) مطرح گردید، چگونگی توزیع مسئولیتهای نظارتی میان کشور میهمان و میزبان، بررسی شد، هدف عمده از طرح این مسئله این بود که مقامهای نظارتی در هر دو کشور باید بایکدیگر تماس و همکاری داشته باشند، این پیمان نامه در سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۷ نکات دیگری را نیز شامل گردید. آخرین استاندارد که اخیراً از سوی کمیته مذکور اعلام شده است، ۲۵ اصل محوری نظارت بانکی مؤثر است که سرفصل‌های آن در پیوست شماره ۱ ملاحظه می‌گردد.

ب - اصول محوری تنظیم بازار اوراق بهادار

این اصول از سوی سازمان جهانی اوراق بهادار یا (IOSCO)^۲ ارائه گردیده و شامل ۳۰ اصل می‌باشد، هدف از تدوین این اصول حفظ منافع سرمایه‌گذاران اطمینان از عادلانه، شفاف و کارآمد بودن بازار و بالاخره تقلیل ریسک سیستمیک می‌باشد، سرفصل‌های اصول مذکور در پیوست شماره ۲ ملاحظه می‌گردد.

در میان کشورهای اسلامی، مالزی و اندونزی از جمله بازارهای نوظهور محسوب می‌گردند

1. Bank for International Settlement (BIS)

2. International Organization for Securities Commission.

که در جنوب شرقی آسیا، بازار سرمایه پیشرفته‌ای دارند، در کشور مصر، اجرای برنامه خصوصی سازی مالی، به گسترش بازار بورس قاهره منجر گردیده است، در میان کشورهای مسلمان افریقایی، بازار سهام خارطوم، اولین بازار اسلامی است که فعالیت تمام شرکتهای پذیرفته شده در آن منطبق بر شریعت اسلام است، علیرغم پیشرفتهای صورت گرفته در بازار سهام کشورهای اسلامی، بررسیها نشان می‌دهد سهم کشورهای اسلامی در رشد بسیار سریع بازار سهام شمال آفریقا و خاورمیانه، تنها ۳ درصد بوده است.

ج - اصول محوری نظام پرداخت

اصول محوری نظام پرداخت و تسویه نیز از سوی بانک تسویه بین‌المللی ارائه گردیده و مبانی قانونی و انواع ریسک‌هایی را که نظام پرداختها با آن روبرو می‌باشد شرح داده است، توانایی نظام مالی در ایفاء تعهدات و تسویه آنها، همچنین اتخاذ ترتیبات احتیاطی از آن جمله می‌باشند، سرفصل‌های اصول محوری نظام پرداخت در پیوست شماره ۳ ملاحظه می‌گردد.

د - اصول محوری ناظرین بیمه

این اصول از سوی اتحادیه جهانی ناظرین بیمه یا ^۱ (IAIS) ارائه گردیده و برگزیده نکاتی از قبیل صدور مجوز، مدیریت بیمه، مقررات احتیاطی داراییها و بدهیها، انواع بیمه و... می‌باشد، سرفصل‌های این اصول در پیوست شماره ۴ ملاحظه می‌گردد.

تأسیس بیمه اسلامی برای اولین بار در ژانویه ۱۹۷۹ در کشور ^۲ سودان ارائه گردید، این موسسه بیمه متعلق به Faisal bank of Sudan بوده و با سرمایه اولیه یک میلیون پوند استرلینگ شروع به کار نمود، برای گسترش این صنعت، موسسه مذکور از یک سری معافیتها از قبیل معافیتهای مالیاتی روی داراییها و سود، و همچنین معافیت مالیاتی درآمدهای اعضاء هیات مدیره و شورای نظارتی اسلامی برخوردار گردید.

این امکانات از سوی دولت سودان در اختیار این موسسه قرار گرفت، فعالیتهای این موسسه پس از سودان، در عربستان سعودی نیز آغاز گردید و این فعالیتهای با استقبال مردم مسلمان همراه بود؛ به طوری که سود ناخالص موسسه بیمه اسلامی سودان در اولین سال فعالیت خود از ۲۷۳۰۰۰ پوند استرلینگ در (۱۹۷۹) به ۱۷۲۲۹۰۰ پوند در ۱۹۸۰ رسید، لازم به ذکر است تا قبل از این تاریخ مردم مسلمان این مناطق از خدمات بیمه متعارف استفاده نمی‌کردند زیرا بر

1. International Association of Insurance Supervisors.

2. Sudanese Insurance Company

اساس اعتقادات خویش که مبتنی بر آیات قرآن کریم می باشد، خدا را بیمه گر نهایی می دانستند. به دلیل استقبال عمومی از خدمات بیمه اسلامی، بسیاری از افراد غیرمسلمان نیز بیمه گذار (Policy-holder) این موسسه شدند تا از منافع آن بهره مند شوند، سودهای قابل توجه، موسسه مذکور را قادر نمود تا میان بیمه گذاران خویش با نرخ ۵ درصد در سال ۱۹۷۹ و نرخ ۸ درصد در سال ۱۹۸۰، به توزیع سود بپردازد.

گذشت. از سودان، مشابه موسسه فوق در ۱۹۷۹ در دبی توسط Dubai Islamic Bank تحت عنوان شرکت بیمه عرب تشکیل گردید. پس از آن در بحرین نیز در سال ۱۹۸۰، شرکت بیمه اسلامی توسط Dallah Albaraka Group تشکیل شد.

بررسی فعالیتهای موسسات بیمه اسلامی تا امروز نمایانگر آن است که اول: سیاست سرمایه گذاری یک شرکت بیمه اسلامی بایک شرکت بیمه متعارف بسیار متفاوت است. اکثر شرکتهای بیمه متعارف، شرکتهای سرمایه گذاری پیچیده‌ای هستند که در پرتفوی خود از داراییهای متنوع و گسترده‌ای شامل سهام، اوراق بهادار و ابزار مشتقه برخوردار می باشند. در مقابل موسسات بیمه اسلامی جهت سرمایه گذاری وجوه مازاد خویش با محدودیتهای بسیاری روبرو هستند؛ زیرا وجوه مذکور نمی توانند در اوراق بهادار مبتنی بر نرخ بهره یا بازار سهامی که از نظر شریعت اسلام فعالیت در آن مجاز نمی باشد سرمایه گذاری شوند.

دوم: روش توزیع وجوه مازاد میان بیمه گذاران^۱ در پایان سال مالی از یک شرکت بیمه اسلامی به شرکت دیگر متفاوت است، در برخی از آنها، مازاد قابل توزیع^۲ میان همه بیمه گذاران تقسیم می شود، بدون توجه به اینکه از سوی آنها در زمان مورد بررسی مطالبه‌ای ادعا شده است یا خیر؟

در برخی دیگر، بیمه گذاران فقط می توانند درخواست یک سهم از سود قابل تقسیم در پایان سال مالی مطالبه نمایند، و چنانچه این مطالبه صورت نگیرد، یک سیستم مبتنی بر پاداش که مشابه آن در سیستم بیمه متعارف نیز وجود دارد ایجاد می شود، در این سیستم به بیمه گذاران پاداش (جایزه) داده می شود.

سوم: تعیین میزان آن قسمت از سود که به بیمه گذاران اعطا می شود و آن قسمتی که در شرکت بیمه اسلامی برای پوشش زیانهای آتی باقی می ماند نیز از شرکتی به شرکت دیگر متفاوت است.

بررسی موارد فوق نمایانگر آن است که تا زمان حل مشکلات فراروی بیمه اسلامی، موسسات

مالی و تولیدی اسلامی ناگزیر از استفاده از صنعت بیمه متعارف نیز می‌باشند، که این نکته نه تنها در زمینه بدهیها، بلکه در زمینه بیمه کالاها در زمان حمل نیز ضروری است، زیرا در تجارت بین الملل، مداخله دو نوع موسسه خدماتی اجتناب ناپذیر است:

اول: موسسه حمل که بایستی کالا را از فروشنده تحویل بگیرد و به خریدار تحویل دهد؛ دوم: موسسه بیمه که خطرات متوجه کالا را از مبداء تا نقطه‌ای از مقصد به عهده می‌گیرد. در این میان تعداد مواردی که خریدار یا فروشنده خود وسیله حمل داشته باشد و نقش موسسه حمل و نقل را به عهده گیرد بسیار نادر است و در ضمن، اینکه یکی از طرفین معامله خود نقش بیمه‌گر را به عهده بگیرد نیز عملاً منتفی است، زیرا در بیمه کالا علاوه بر فروشنده و خریدار طرفهای دیگر ذینفع هستند که باید منافع آنها نیز رعایت شود، از جمله مؤسسه حمل که معمولاً کالاهایی را که فاقد حداقل پوشش بیمه‌ای باشد تحویل نمی‌گیرد و بانک که نمی‌تواند برای کالای مورد حمل بدون پوشش بیمه‌ای تسهیلات مالی اعطاء کند.

۵- معیارهای شفافیت در سیاستهای پولی و مالی:

معیارهای شفافیت در سیاستهای پولی و مالی^۱ در تاریخ ۲۶ سپتامبر سال ۱۹۹۹ به تصویب هیئت مدیره صندوق بین‌المللی پول رسید. هدف اصلی از ارائه این معیارها ایجاد ثبات در نظام پولی و مالی بین‌المللی بوده است. ضوابط شفافیت، فعالیتهای مؤسسات پولی و مالی را دربر می‌گیرد، مؤسساتی از قبیل بانکهای تجاری، شرکتهای بیمه و اوراق بهادار و بانکهای مرکزی. شفافیت بانکهای مرکزی به محدوده فعالیت آنها در زمینه اهداف سیاستهای پولی، چارچوب قانونی، نهادی و سیاستگزاری بازمی‌گردد، این ضوابط، شرایط و چگونگی پاسخگو بودن بانک مرکزی در برابر افکار عمومی را نیز مشخص می‌نماید.

استانداردهای مورد نظر IMF در زمینه شفافیت، عمدتاً به کشورهایی مربوط می‌شود که در ساختار بازارهای مالی و چارچوبهای قانونی از گستردگی و تنوع برخوردارند. لازم به ذکر است همه ضوابط شفافیت برای کلیه مؤسسات مالی به صورت یکسان اعمال نشده و اهداف آنها برای بخشهای مختلف مالی متفاوت است. برای برخی از آنها (مانند مؤسسات قانونگذاری اوراق بهادار)، تأکید اصلی روی جنبه‌هایی کارایی بازار استوار است، برای عده‌ای دیگر (مانند مؤسسات نظارت بر بانکها و سیستم پرداخت) ثبات سیستمیک مدنظر می‌باشد، برای مؤسسات بیمه، حفظ منافع مشتری اصلی مهم تلقی می‌گردد. برخی از این مؤسسات مستقل

بوده و عده‌ای دیگر قسمتی از یک نهاد دولتی محسوب می‌شوند، در معیارهای منتشره از سوی IMF، کلیه این تقسیم‌بندیها در نظر گرفته شده است.

* روشهای شفافیت:

برای برقراری ارتباط میان بانک مرکزی و جامعه روشهای متعددی وجود دارد، این ارتباط باید دربرگیرنده نقش، سیاستها، تصمیم‌گیریها، عملکرد و فعالیت یک بانک مرکزی باشد، افشای مسئولیتها و اهداف بانکهای مرکزی، به آن صورتی که در قانون مربوطه نوشته شده یکی از راههای برقراری ارتباط با افکار عمومی است، برای فعالیتهای مشخصی که به کلیه‌ی مسئولیتهای موازی با یکدیگر مربوط می‌شوند (مانند ارتباط میان بانک مرکزی و وزارت دارایی)، انتشار یادداشت^۱ تفاهم از نتایج مذاکرات فیما بین، یکی از روشهای مؤثر شفافیت محسوب می‌شود. گذشته از وجود سندهای رسمی برای افشاء فعالیتهای گزارشات مکتوبی می‌توانند ارائه شوند که از رسمیت کمتری برخوردار بوده و انعطاف‌پذیرترند، در کنار همه این موارد، ارائه نشریات اداری^۲ مانند (بولتن‌های فصلی یا ماهانه) و گزارش سال^۳ نیز رایج می‌باشد. امروزه پیشرفتهای چشمگیر در امر ارتباطات و ظهور صفحات وب^۴، ابزار مؤثر جدیدی در اختیار بانکهای مرکزی جهت برقراری ارتباط قرار داده است. آن گروه از بانکهای مرکزی و مؤسسات مالی که اعتقاد بسیاری به امر شفافیت دارند، از همه این روشها استفاده می‌نمایند.

در بسیاری از کشورهای پیشرفته، برخی از معیارهای شفافیت از سوی دولتها تحمیل می‌شوند، این موارد به صورت مفاد مندرج در قانونی رسمی کشور وجود داشته و از سوی دولت مربوطه به نهادهای دولتی ذیربط ابلاغ می‌گردند مانند (قانون روشهای اداری در امریکا^۵، قانون دسترسی عمومی به پرونده‌های اداری در کره جنوبی^۶، قوانین مختلف آزادی اطلاعات^۷ و حمایت قانونی از کارکنان)، این قوانین و مقررات بخشی از^۸ پرونده عمومی تلقی می‌گردند، در این کشورها، بانکهای مرکزی و مؤسسات مالی نیز شامل این قوانین دولتی می‌شوند و از روشهای شفافیت، همانند سایر نهادهای دولتی تبعیت می‌نمایند.

1. Memorandum of understanding.

2. Official Publications

3. Annual report

4. Web sites

5. The Administrative Procedures Act in the U.S.A

6. The Public Access to Official Records Act in Korea.

7. Freedom on Information Acts.

8. The Public Record.

بیشتر ابزارهایی که شرح آنها گذشت بعضاً با محدودیت نیز روبرو می‌شوند، مفاهیم قانونی و اداری اکثراً به زبانی فنی و پیچیده مکتوب گردیده‌اند، به گونه‌ای که فهم آنها برای اکثریت جامعه دشوار است، به علاوه دسترسی آسان به متون قانونی نیز همیشه امکان‌پذیر نمی‌باشد، هرچند گسترش اینترنت و صفحات وب، امکان ارسال متون قانونی و مقرراتی از طریق این شبکه را تا حدودی تسهیل نموده است، افشاء و انتشار «یادداشت تفاهم» نیز با موانعی روبروست، این گزارش اکثراً به عنوان سند داخلی و حساس تلقی گردیده و به اطلاع افکار عمومی نمی‌رسد. انتشار «گزارش سال» به دلیل اینکه چند ماه بعد از سال مالی مورد بررسی صورت می‌گیرد، نسبت به سایر نشریاتی که سیاستها و مباحث زمان حال را منتشر می‌کنند، منبع اطلاعاتی بهتری به شمار می‌رود.

افشاء اطلاعات از طریق اینترنت و صفحات وب دارای هزینه‌هایی است که برخی از بانکهای مرکزی قادر به تأمین آن نمی‌باشند.

* محتوای شفافیت

وضوح و محتوای شفافیت به کیفیت اطلاعات افشاء شده بستگی دارد، این امر مفهوم افشا^۱ را به مفهوم شفافیت تبدیل می‌کند، هر قدر امکان دسترسی به اطلاعات مربوط به اهداف سیاستگزاری، مسئولیتها، تصمیم‌گیرها و عملکردها بیشتر شود. امکان ایجاد شفافیت مؤثر نیز افزایش می‌یابد، افشاء آمارها که جنبه مهمی از ضوابط منتشره از سوی IMF را تشکیل می‌دهد، همانند ضوابطی که از سوی سایر سازمانهای بین‌المللی منتشر گردیده، روی قابلیت اتکاء و نظم و به هنگام بودن آمارها تأکید دارد، استانداردهای ارائه شده از سوی سازمانهایی نظیر کمیته نظارت بانکی در شهر بال سوئیس^۲، کمیته نظام تسویه و پرداخت، اتحادیه بین‌المللی بازرسی بیمه^۳ و سازمان جهانی اوراق بهادار^۴ قادر به ارزیابی کمیت و کیفیت عملکرد نظارتی هر کشور هستند، لیکن ضوابط منتشره از سوی IMF در زمینه شفافیت بسیار فراتر از استانداردهای ارائه شده توسط سازمانهای مورد بحث بوده و از کیفیت بالاتری برخوردار است.

در مورد سیاست پولی، حدود و محتوای شفاف بودن به ماهیت نظام سیاست پولی مربوط می‌گردد، کشورهایی که هدف مبارزه با تورم را انتخاب کرده‌اند، باید روش شفافیت رادر پیش گیرند، به این ترتیب که افکار عمومی جامعه را در فواصل زمانی معین در جریان جزئیات

1. Disclosure

2. Basle Committee on Banking Supervision

3. International Association of Insurance Supervision

4. International Organization of Security Commissions

سیاست‌گذاری و عملکرد مربوطه قرار دهند، این امر سبب می‌گردد تا اطمینان عمومی جهت اجرای سیاست مورد بحث جلب شود، در مقابل، کشورهایی که نظام ارزی کنترل شده دارند در ارائه گزارش به جامعه با محدودیت بیشتری روبرویند زیرا هر خبر و گزارش ممکن است به ایجاد اختلال در بازار ارز منجر شود، در این میان عواملی از قبیل ترغیب اخلاقی، نظم بازار یا ثبات بازار مالی، محتوی و زمان‌بندی افشاء اطلاعات را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در برخی موارد خاص محتوای شفافیت باید محدود شود و آن زمانی است که مقامات پولی و مالی کشور با محدودیت افشاء اطلاعات مربوط به اشخاص حقیقی و حقوقی بخش خصوصی روبرو می‌شوند، در این حالت انتخاب محدوده شفافیت به عهده مقامات مربوطه خواهد بود. امروزه سیاست‌گذاران دریافته‌اند که جهانی شدن به طور کلی و یک پارچگی بازارهای مالی به طور اخص، نیازمند درجه بالاتر شفافیت در سیاستهای پولی - مالی و نظامهای قانونگذاری می‌باشد.

برخی از معیارهای^۱ شفافیت که می‌بایست در قوانین پولی و بانکی کشورها درج گردند به شرح ذیل می‌باشند:

الف - بانکهای مرکزی:

- ۱- مشخص کردن نقش، مسئولیتها و اهداف بانکهای مرکزی در اجرای سیاستهای پولی.
- ۲- افشای فرآیند اخذ تصمیم در مورد سیاست پولی
- ۳- دسترسی عمومی به اطلاعات سیاست پولی از طریق نشریات،
- ۴- پاسخگویی و تضمین صحت فعالیتهای بانک مرکزی.

ب - مؤسسات مالی:

- ۱- مشخص کردن نقش، مسئولیتها و اهداف مؤسسات مالی در اجرای سیاستهای مالی،
- ۲- اجرای شفاف سیاستهای توسط مؤسسات مالی با حفظ جنبه‌های محرمانه بودن اطلاعات.
- ۳- دسترسی عمومی به اطلاعات مؤسسات مالی، از طریق نشریات.
- ۴- پاسخگویی و تضمین صحت فعالیتهای موسسه مالی.

۱- معیارهای مذکور با جزئیات فراوانی همراه هستند، علاقه‌مندان می‌توانند به مأخذ شماره ۱ مراجعه نمایند.

و- استانداردهای حسابداری و حسابرسی

سازمان حسابداری و حسابرسی برای مؤسسات مالی اسلامی یا^۱ (AAOIFO) که مقر آن در کشور بحرین است، از سال ۱۹۹۰ تاکنون اقدامات گسترده‌ای جهت ارائه استانداردهای متحدالشکل در زمینه معیارهای حسابداری و حسابرسی مؤسسات اسلامی انجام داده است، نتیجه تلاشهای این موسسه به انتشار نشریه:

Accounting, Auditing and Governance Standards for Islamic Financial Institutions

در ژوئن سال ۲۰۰۰ میلادی منجر گردیده است، در این نشریه کلیه اقلام مندرج در صورتهای مالی بانکها با معیارهای اسلامی منطبق گردیده و انواع مالیاتهای اسلامی مانند زکات نیز در آن مد نظر قرار گرفته است.

از آنجاکه پایه و اساس مؤسسات مالی اسلامی با مؤسسات مالی نظام ربوی متفاوت است، در تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی^۳ نکته مهم ذیل باید مد نظر قرار گیرد:

اول: بانکها و مؤسسات مالی اسلامی در همه فعالیتها و عملکرد خویش باید با تبعیت از اصول شریعت اسلام عمل نمایند،

دوم: بانکهای اسلامی از دریافت و پرداخت ربا در فعالیتهای خویش منع شده‌اند.

سوم: بانکهای اسلامی تجهیز منابع را از طریق مکانیزم حسابهای سرمایه‌گذاری انجام می‌دهند، سود و زیان حاصله میان بانک و مشتری تقسیم می‌گردد.

برخی از بانکهای اسلامی اقلام حسابهای سرمایه‌گذاری نظیر قرارداد و مباحه را (که در آن مدیریت طرح به عهده بانک می‌باشد) در ردیف اقلام بالای^۲ خط ترازنامه و برخی دیگر در پایین^۳ خط ترازنامه ثبت می‌کنند، این مورد سبب می‌گردد صورتهای مالی بانکهای اسلامی قابل مقایسه با یکدیگر نبوده و نهایتاً امر تجزیه و تحلیل را با اشکال مواجه می‌کند.

ز- مقررات تطهیر پولی

امروزه در اکثر کشورهای جهان مقررات تطهیر پولی اجرا می‌گردد، جزئیات این مقررات ممکن است از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد، برای مثال قانون Bank Secrecy در کشور امریکا، مبالغ نقدی بالاتر از ۱۰,۰۰۰ دلار را مشمول بازرسی و نظارت هیئت کنترل تطهیر پولی تعیین نموده است و بانکها موظفند مورد مربوطه را به همراه مشخصات سپرده‌گذار به

1. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions.

2. On-balance sheet

3. Off-balance sheet

خزانه و همچنین مقامات نظارتی گزارش دهند، در کشور سوئیس قانون Money Laundering Act (MLA) در اکتبر سال ۱۹۹۷ به تصویب رسید، به موجب این قانون بانکها، موسسات بیمه و سایر موسساتی که در معاملات روزانه خویش از پول نقد، ابزارهای بازار پول، ابزار مشتقه و اوراق بهادار استفاده می نمایند ملزم هستند به محض دریافت پول نقد با مبالغ بالا، ضمن گزارش به مقامات مربوطه، مبلغ مورد نظر را در حساب سپرده گذار به مدت حداکثر ۵ روز کاری مسدود نمایند، تا پس از دریافت تصمیمات هیئت کنترل تطهیر پولی، اقدام مقتضی به عمل آید، در ضمن موسسات مذکور موظفند در بدو امر مشخصات کامل سپرده گذار (شامل انواع معاملات بانکی، مقصد حواله، طرفین معامله) را نیز گزارش نمایند، در کشور سوئیس، ارائه گزارش تطهیر پولی در ۴ مرحله به ترتیب ذیل صورت می پذیرد:

اول: ارائه گزارش از سوی شعبه به دفتر اطلاعات

دوم: ارائه گزارش از سوی دفتر اطلاعات به بازرسین بانکی

سوم: ارائه گزارش از سوی بازرسین به هیئت کنترل تطهیر پولی

چهارم: ارائه گزارش نهایی به دفتر پلیس.

امروزه کشورهایی که مقررات تطهیر پولی را به اجرا می گذارند، از ۴۰ اصل FATF که مخفف

عبارت ذیل می باشد تبعیت می کنند:

The Forty recommendations of The Financial Action Task Force on money Laundering

ح - معیارهای رتبه بندی موسسات مالی اسلامی

در جهان امروز رتبه اعتباری هر کشور ملاک تصمیم گیری سرمایه گذاران بین المللی جهت ورود به بازارهای کار و سرمایه آن کشور می باشد،

موسسات معتبر رتبه بندی نظیر Moody's Fitch IBCA و Standard and Poor's به رتبه بندی کشورها، بانکها و موسسات مالی پرداخته و نتیجه را در نشریات معتبر به چاپ می رسانند، برخی از این رتبه بندیها نیز محرمانه بوده و فقط به درخواست مقامات یک کشور یا بانک صورت می پذیرد.

موسسات رتبه بندی، ریسکهای اعتباری دولتها، موسسات بین المللی، بانکها و موسسات دولتی (نظیر شهرداریها، پست و تلگراف و تلفن، راه آهن و...) را می سنجند تا سرمایه گذاران با توجه به درجه ریسک پذیری آنها به سرمایه گذاری اقدام نمایند، ریسک اعتباری (Credit Risk) توانایی وام گیرنده در بازپرداخت به موقع اصل و بهره وام دریافتی را ارزیابی می نماید، به عبارت دیگر قصور (کوتاهی) وام گیرنده در پرداخت اصل و بهره وام، وام دهنده را با ریسک

اعتباری مواجه می‌کند، رتبه اعطایی موسسات رتبه‌بندی، همانا مقایسه کشورها یا بانکها بر اساس توانایی آنها در ایفاء تعهداتشان می‌باشد، در انجام این رتبه‌بندی، معمولاً از روش خاصی تبعیت می‌شود، لیکن میان موسسات مختلف رتبه‌بندی یکسری تفاوت‌های جزئی نیز وجود دارد، همه این موسسات رتبه‌بندیهای بلندمدت و کوتاه مدت کشور یا موسسه مالی را با توجه به ریسک کشوری (Country Risk) انجام می‌دهند، این ریسک نشان می‌دهد که تمام نهادهای داخل آن کشور (نظیر دولت مرکزی، بانکها، موسسات مالی و حتی بخش خصوصی) آیا قادر به ایفاء تعهدات خود می‌باشند یا خیر؟ در این واژه، یک مفهوم گسره دنبال می‌شود، لیکن در عبارت Sovereign Risk، فقط توانایی دولت مرکزی در ایفاء تعهدات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گذشته از سه موسسه مورد بحث، موسسه معتبر دیگری وجود دارد که بانکهای کشور اسلامی را رتبه‌بندی می‌کند، نام این موسسه Capital Intelligence است که به اختصار CI خوانده می‌شود، این موسسه تفاوت‌های عمده بانکداری ربوی و بانکداری اسلامی را در نظر گرفته و بانکهای اسلامی را با توجه به ویژگیهای خاص آن رتبه‌بندی، می‌نماید، برای مثال امر سپرده‌گذاری در بانکهای اسلامی بر اساس سیستم PLS یا Profit and Loss Sharing می‌باشد و به عبارتی سپرده‌گذار در سود و زیان حاصله شریک است، نرخ بازده سپرده نیز نامعلوم می‌باشد، در حالی که در بانکداری ربوی، نرخ بهره سپرده‌ها از قبل مشخص و تضمین گردیده است، این تئوری که به موجب آن نرخ سود سپرده‌ها نامشخص است، در واقع معیار ارزیابی توانایی بانک اسلامی برای ایفاء تعهداتش در قبال مشتری می‌باشد.

موسسه CI در رتبه‌بندی بانکهای اسلامی گذشته از ریسک اعتباری، به عواملی از قبیل ارزیابی مدیریت، ریسک نقدینگی، کیفیت داراییها و شفاف بودن اطلاعات توجه می‌نماید، لازم به ذکر است شفاف بودن اطلاعات در بانکداری اسلامی مهمتر از بانکداری ربوی است زیرا حفظ اطمینان سپرده‌گذاران این بانکها به دلیل نامطمئن بودن سود سپرده‌ها بسیار مهم می‌باشد. در گذشته بانکهای کشورهای اسلامی از رویه‌های یکسانی جهت طبقه‌بندی و حسابداری آمارها استفاده نمی‌کردند و این امر رتبه‌بندی این بانکها را با مشکل اساسی روبرو می‌کرد، برای حل این مشکل همانطور که قبلاً نیز ذکر شد، کشورهای اسلامی سازمان جدیدی را تحت عنوان سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی یا AAOIFI در سال ۱۹۹۱ در بحرین پایه‌ریزی کردند که هدف اصلی آن گسترش استانداردهای حسابداری و حسابرسی برای موسسات مالی اسلامی می‌باشد، وظیفه این سازمان گسترش استانداردهای اسلامی و هماهنگ نمودن آن با قوانین بین‌المللی است، تا قوانین حاصله از دیدگاه بین‌المللی نیز مورد قبول واقع

گردد.

موسسه مذکور ضمناً تهیه یک دستورالعمل برای محاسبه کفای سرمایه بانکهای اسلامی را آغاز کرده است، این دستورالعمل منعکس کننده ریسکهای سود و زیان و حسابهای سرمایه‌ای این بانکها خواهد بود. لازم به ذکر است از ابتدای سال ۲۰۰۲ میلادی، رتبه اعتباری بانکهای کشورها، ملاک محاسبه کفایت سرمایه بانکهای آن کشور خواهد بود، به عبارت دیگر هر قدر رتبه اعتباری بانکهای یک کشور پائینتر باشد نسبت کفایت سرمایه بالاتری برای آنها در نظر گرفته خواهد شد.

نقدینگی بانکهای اسلامی در زمان رتبه‌بندی نیز بسیار مهم می‌باشد، زیرا به دلیل حذف بهره از سیستم‌های مالی، دستیابی این بانکها به تسهیلات ربوی نظیر تنزیل مجدد با سایر وامهای مبتنی بر بهره امکان‌پذیر نمی‌باشد مگر آنکه تسهیلات بین بانکی (بدون بهره) میان کشورهای اسلامی رایج گردد. در جدول شماره ۲ رتبه‌بندی بانکهای اسلامی توسط موسسه CI ملاحظه می‌گردد که در نشریه Islamic Banker به طور منظم به چاپ می‌رسد. برخی از این بانکها همانند بانکای اسلامی کشور سودان و پاکستان در نظام مالی که یک پارچه غیر ربوی است فعالیت می‌نمایند، لیکن در سایر کشورهای اسلامی مخصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس، نظام دوگانه مالی (ربوی و غیر ربوی) حاکم می‌باشد.

جدول شماره ۲

رتبه‌بندی بانکهای اسلامی در اول اکتبر سال ۲۰۰۰

بانکهای تجاری	بلندمدت	کوتاه مدت	دور نما
بانک اسلامی بحرین	BB+	A3	وضعیت استوار (Stable)
شامل بانک بحرین	BB+	A3	وضعیت استوار (Stable)
بانک اسلامی اردن	BB-	B	وضعیت استوار (Stable)
مرکز مالی کویت	BBB+	A3	وضعیت استوار (Stable)
بانک اسلامی قطر	BB+	A3	وضعیت استوار (Stable)
بانک اسلامی بین‌المللی قطر	BB+	B	وضعیت استوار (Stable)
مؤسسه بانکی الراجی	BBB+	A3	وضعیت استوار (Stable)
بانک اسلامی دویی	BB+	A3	وضعیت استوار (Stable)
(Berhad) بانک اسلامی مالزی	BB+	A3	وضعیت استوار (Stable)
بانک فیصل پاکستان	C	C	وضعیت استوار (Stable)
بانک اسلامی عرب	Na*	Na	وضعیت استوار (Stable)
بانکهای توسعه‌ای			
(Albaraka) بانک توسعه اسلامی	BB	A3	وضعیت استوار (Stable)
بانک توسعه کویت Dar	NA	NA	مثبت (positive)
مؤسسات مالی			
مؤسسه الامین Al - Amin	BBB		
مؤسسه Tawfeek Al -	BBB		
* Na = Not Available			
* اطلاعات کافی در دسترس نمی‌باشد			
Source: Islamic Banker, October 2000			
مؤسسه رتبه‌بندی: CI			

مفاهیم رتبه‌ها:

رتبه A1 = دارای ظرفیت بی‌نهایت بالا برای ایفای تعهدات مدت‌دار. این بانک یا مؤسسه در برابر اتفاقات غیرمنتظره اقتصادی متزلزل نمی‌شود.

رتبه A2 = دارای ظرفیت بسیار بالا برای ایفای تعهدات مدت‌دار، لیکن ممکن است اندکی در برابر اتفاقات غیرمنتظره اقتصادی تحت تأثیر قرار گیرد.

رتبه A3 = دارای ظرفیت خوب برای ایفای تعهدات مدت‌دار، لیکن در برابر اتفاقات غیرمنتظره اقتصادی متزلزل خواهد شد.

اصول محوری نظارت بانکی مؤثر

Core Principles of Effective Banking Supervision

- | | |
|--|---------------------------|
| 1-Framework for supervisory authority | ۱- چارچوب مقام نظارتی |
| 1-1 Objectives | ۱-۱ اهداف |
| 1-2 Independence | ۲-۱ استقلال |
| 1-3 Legal framework | ۳-۱ چارچوب قانونی |
| 1-4 Enforcement power | ۴-۱ قدرت اجراء |
| 1-5 Legal protection | ۵-۱ حمایت قانونی |
| 1-6 Information sharing | ۶-۱ اشتراک اطلاعات |
| 2- Permissible activities | ۲- فعالیتهای مجاز |
| 3- Licensing criteria | ۳- ضوابط صدور مجوز |
| 4- Ownership | ۴- مالکیت |
| 5- Investment criteria | ۵- ضوابط سرمایه گذاری |
| 6-Capital adequacy | ۶- کفایت سرمایه |
| 7- Credit Policies | ۷- سیاستهای اعتباری |
| 8- Loan evaluation | ۸- ارزیابی وامها |
| 9- Large exposures | ۹- وامگیرندگان بزرگ |
| 10- Connected lending | ۱۰- وامدهی به وابستگان |
| 11- Country risks | ۱۱- ریسک کشوری |
| 12- Market risks | ۱۲- ریسک بازار |
| 13- Other risks | ۱۳- سایر ریسکها |
| 14- Internal control | ۱۴- کنترل داخلی |
| 15- Money laundering | ۱۵- پول شویی |
| 16- On-site and off-site supervision | ۱۶- نظارت از دور و در محل |
| 17- Bank management | ۱۷- مدیریت بانکی |
| 18- Off-site supervision | ۱۸- نظارت از راه دور |
| 19- Validation of information | ۱۹- تسجیل اطلاعات |
| 20- Consolidated supervision | ۲۰- نظارت جامع |
| 21- Accounting | ۲۱- حسابداری |
| 22- Remedial measures | ۲۲- اقدامات اصلاحی |
| 23- Global consolidation | ۲۳- نظارت بسیط |
| 24- Host country supervision | ۲۴- نظارت کشور میزبان |
| 25- Supervision of foreign establishment | ۲۵- نظارت واحدهای خارجی |

اصول محوری تنظیم بازار اوراق بهادار

Core principles on Securities Regulation

- ۱- مسئولیت مقام تنظیمی
- ۲- استقلال و مسئولیت پذیری مقام تنظیمی
- ۳- قدرت، منابع و ظرفیت مقام تنظیمی
- ۴- فرایند تنظیم
- ۵- استانداردهای حرفه‌ای
- ۶- فراینده خود اصلاحی
- ۷- نظارت بر فرایند خود اصلاحی
- ۸- قدرت بازرسی
- ۹- قدرت اجرایی
- ۱۰- فرایند تطبیق با خواسته‌های مقام تنظیمی
- ۱۱- مشارکت در استفاده از اطلاعات
- ۱۲- فرایند استفاده مشارکتی از اطلاعات
- ۱۳- همکاری با مقام تنظیمی خارجی
- ۱۴- استاندارد انتشار اطلاعات
- ۱۵- اصل رفتاری مساوی و عادلانه
- ۱۶- استانداردهای حسابداری و حسابرسی
- ۱۷- ضوابط صدور مجوز
- ۱۸- ساختار سرمایه‌گذاری جمعی
- ۱۹- شفافیت در منافع سرمایه‌گذار
- ۲۰- ارزش‌گذاری داراییها در سرمایه‌گذاری جمعی
- ۲۱- حداقل استاندارد ورود
- ۲۲- معیارهای احتیاطی واسطه‌های بازار
- ۲۳- صیانت منافع مشتریان
- ۲۴- شکست واسطه‌های بازار
- ۲۵- مجوز و نظارت بر معاملات اوراق
- ۲۶- نظارت در معاملات و نظامات تجاری
- ۲۷- شفافیت در تجارت
- ۲۸- اقدامات تجاری غیرعادلانه
- ۲۹- ریسک سقوط و معامله‌گران بزرگ
- ۳۰- نظارت بر نظام تسویه و پرداخت اوراق
- 1- Responsibility of regulator
- 2- Independence and accountability
- 3- Power, resources and capacity of regulator
- 4- Regulatory process
- 5- professional standards
- 6- Self-regulatory process
- 7- Oversight of self - regulatory process
- 8- Surveillanve power
- 9- Enforcement power
- 10- Compliance Program Process
- 11- Information sharing
- 12- Information sharing mechanism
- 13- Cooperation with foreign regulators
- 14- Disclosure sandards
- 15- Fair and equal treatment
- 16- Accounting and auditing standards
- 17- Licensing criteria
- 18- Structure of collective investment
- 19- Disclosure of investors' interest
- 20- Asset valuation of collective investment
- 21- Minimum entry standards
- 22- Prudential requirement for market intermediaries
- 23- Protection of interest of clients
- 24- Failure of market intermediaries
- 25- Authorization and oversight of securities exchanges
- 26- Supervision of exchanges and trading systems
- 27- Transparency of trading
- 28- Unfair trading practices
- 29- Large exposures and default risks
- 30- Oversight of securities clearance and settlement

پیوست شماره ۳

اصول محوری نظام پرداخت

Core principles for Systemically Important Payment Systems

- | | |
|---|--|
| 1- Legal basis | ۱- مبانی قانونی |
| 2- Financial risks | ۲- ریسک مالی |
| 3- Credit and liquidity risks | ۳- ریسک اعتباری و نقدینگی |
| 4- Prompt final settlement | ۴- تسویه آنی و نهایی |
| 5- Inability to settle | ۵- عدم توانایی در تسویه |
| 6- Settlement preferably with central banks | ۶- تسویه ترجیحاً با بانکهای مرکزی |
| 7- Contingency arrangements | ۷- ترتیبات احتیاطی |
| 8- Practicality and efficiency in payments | ۸- کارآمدی و مفید بودن پرداخت |
| 9- Fair and open access | ۹- دسترسی عادلانه و آزاد |
| 10- Accountable and transparent governance arrangements | ۱۰- مسئولیت پذیری و شفافیت در شیوه‌های مدیریتی |

پیوست شماره ۴

اصول محوری ناظرین بیمه

Core principles for Insurance Supervisors

- | | |
|--|------------------------------|
| 1- Organization of an insurance Supervisor | ۱- سازمان نظارتی بیمه |
| 2- Licensing | ۲- صدور مجوز |
| 3- Changes in control | ۳- تغییر مدیریت شرکتهای بیمه |
| 4- Corporate governance | ۴- مدیریت شرکتی |
| 5- Internal control | ۵- کنترل‌های داخلی |
| 6- Prudential rules on assets | ۶- مقررات احتیاطی داراییها |
| 7- Prudential rules on liabilities | ۷- مقررات احتیاطی بدهیها |
| 8- Capital adequacy and solvency | ۸- کفایت سرمایه و سلامت مالی |
| 9- Derivatives and off-balance sheet items | ۹- اوراق مشتقه و اقلام زیرخط |
| 10- Reinsurance | ۱۰- بیمه اتکایی |
| 11- Market conduct | ۱۱- هدایت بازار |
| 12- Financial reporting | ۱۲- گزارشهای مالی |
| 13- On-site inspection | ۱۳- بازرسی در محل |
| 14- Sanctions | ۱۴- مجازاتها |
| 15- Cross-border business operations | ۱۵- عملیات تجاری در خارج |
| 16- Coordination and cooperation | ۱۶- هماهنگی و همکاری |
| 17- Confidentiality | ۱۷- حفظ اسرار |

منابع

- 1- *Supporting Document to the Code of Good Practices on Transparency in Monetary and Financial Policies:*
IMF, March 2000.
- 2- Mills Pauls., and Presley John R.:
Islamic Finance, Theory and Practice, Macmillan Press Ltd. London, 1997
- 3- Moore Philip: *Islamic Finance*, Euromoney Books, London, 1997.
- 4- *Islamic Banker* October 2000.
- 5- Meed, September 2000.
- 6- *Europa World year Book*, 1999.